

## استعمال نام «افغانستانی» جرم است

چون مرغ حق ز شاخ محبت فغان کشید  
با دست با همی همه دشمنان کشید  
«باقی قایلزاده»

هم میهنان صدای مؤدت عیان کشید  
در منزل شرافتِ وحدت، شوید جمع

نوشته ای را که می خوانید از قلم یک پشتو زبان رقم نشده است و نه از احساس تعصب و تفرقه افگنی تراوش کرده است، چه من با وصف آنکه از طرف والدین به هر دو قوم شریف افغانستان یعنی پشتون و تاجک منسوب هستم، دری زبانم و نه تنها به این دو قوم وطنم بلکه به همه اقوام این سرزمین آبایی ام افتخار و مباهات میکنم. تفرقه افگنی و صدمه به وحدت ملی را از هر طرفی که باشد با تمام قوت محکوم کرده مردود می شمارم.

با ایجاد افغانستان از طرف آبا و اجداد ما، و با ایثار و فداکاری و قربانی هزارها تن، این سرزمین پرافتخار آبایی به همت فرزندان و احفاد این مرز و بوم از اشغال و تعرض بیگانگان حفظ گردید. مجاهدین واقعی این میهن آزادگان با فدا نمودن جانهای عزیزشان و با پذیرفتن آوارگی خانواده و فرزندان شان باز هم این وطن آزاده خود را از هر نوع تجاوز و تعرض نجات دادند.

ولی اینک عده محدودی، نظر به ملحوظات مشخص و خدمت گذاری بدشمنان وطن عوض نام «افغان» کلمه «افغانستانی» را به اتباع و باشندگان شریف این کشور بکار می برند.

از برای کسب قدرت خدمت غیر میکنند \* شرم و عاری نیست یاران، آدم مزدور را  
«محمد آصف امانت»

درین چند سال اخیر در بعضی از روزنامه ها و نشریات خارج کشور عده در صدد آن اند که کلمات فارسی ایرانی را به عوض کلمات سچه دری یا کلمات معمول عربی که در زبان ما عجین شده است بکار برند که نه تنها خوش آیند نیست بلکه رنج آور است. ولی تعویض کلمه افغان به افغانستانی بی اندازه نامانوس و غیر قابل پذیرش و توهین آمیز است.

این نام در سال های دهه هشتاد میلادی بعد از کودتای فاجعه انگیز کمونیستی در کشور ما و در اثر لجام گسیختگی نشرات جهادی در خارج سرحدات ما گاه گاهی به نظر می رسید ولی با تأسف تدریجاً با گذشت زمان از طرف دشمنان وحدت ملی و اجیران همسایه های طماع افغانستان بیشتر رائج گردید تا اینکه از دائره احترام به کرامت افغانی پا فراتر نهاده و پیوسته در یک تعداد نشرات افغانی خارج بشمول هفته نامه «امید» و دیگر ایرانی مشرب ها و حتی در بعضی نشریه های داخل کشور هم بملاحظه رسیده موجبات بیزاری و تنفر خاطر را ببار می آورد.

از نگاه حقوق عمومی بین الدول ، اصولنامه ها و قوانین اساسی افغانستان منحيث وثایق ملی و اخیراً تصویب لویه جرگه سال ۱۳۸۲ هـ ش (۲۰۰۳ م) منعقدۀ کابل نام «افغان» برای اتباع افغانستان تأیید و تاکید شده است.

در میثاق ها و معاهدات بین المللی که افغانستان در پای آنها امضاء و تعهد کرده است ، اتباع افغانستان بنام تبعۀ «افغان» یاد شده نه «افغانستانی» ، آیا باید این همه میثاق ها ، معاهدات و مقاولات تعدیل گردند ؟ و آیا تعدیل آنها تنها به زعم چند فتنه انگیز و بیگانه پرست مورد پذیرش جامعه افغانی و بین المللی قرار گرفته می تواند ؟

آثار ، کتب ، نوشته ها و مقالات ، تحقیق ها و تیزس های لیسانس و دکتورا ها که از بیشتر از یک قرن در سراسر جهان در بارۀ افغانستان نوشته و چاپ شده است و در همه آنها به تبعۀ افغانستان «افغان» اطلاق شده است ، باید تعدیل گردند ؟

آیا میشود نام «مستورۀ افغان» زن ادب پرور ، آزادمش و مبارز راه آزادی زنان افغانستان را بعد از یکصد سال [ متولد ۱۲۸۷ هـ ش ] تغیر داد و منبهد «مستورۀ افغانستانی» اش خواند.

آیا میتوان سخنان شعرا و دانشمندان بزرگ افغانستان را مثل «سلجوقی» - «خلیلی» - «سرور جويا» - «رحیم الهام» - «مولوی خسته» - «صدیق حیا» و ... و .... که در بارۀ این زن دانشمند افغان سه ربع قرن پیش زده اند و یاد او را گرامی داشته اند ، بخاطر نوشته و یا گفته چند تن مردمان هرزه و فرومایه تعدیل نمود . آیا «خال محمد خسته» از گورش برخیزد و تذکرۀ شعرايش را دوباره بنویسد ؟ تا سبب رضائیت این مفتنین گردد.

آیا کتاب پرده نشینان سخنگو اثر «ماگه رحمانی» که بیش از نیم قرن قبل در کابل بچاپ رسیده دوباره طبع گردد ؟

آیا تذکره الشعراي حنیف بلخی تحت عنوان «پرطاووس یا شعر فارسی در آریانا» بخاطر ارضای چند نفر اجیر خارجی تجدید چاپ شود که نام «میر هوتک افغان» به میر هوتک افغانستانی عوض گردد.

با نام بزرگمردی همچو سید جمال الدین افغان چه باید کرد ؟ منبهد سید جمال الدین افغانستانی اش باید خواند ؟ نام آن فرهیخته مردی که دو قرن پیش از امروز «ویکتور هیوگو» بزرگترین شاعر و نویسنده فرانسوی بدوستی او می بالید باید تغیر داد ؟ بخاطریکه باداران چند نفر فروخته شده این خیانت را خواسته اند ! ( باز هم نفرین بر شما ای فرزندان ناخلف این سرزمین پاک ! )

به لحاظ خدا بیایید این شعاری را که هشتاد سال پیش شاعر نابینای کشور ما مرحوم «باقی قایلزاده» که از هموطنان تشیع ماست و با چه احساس سروده است ، ورد زبان خود سازیم و به آن عمل نماییم :

پشتون و تاجک و قزل و ازبک و مغل  
این اسم ها ز دفتر ملی روان کشید  
فقط به نام ملت افغان ستان، همه  
آئید جمع و مطلب خود شادمان کشید

در (هفته نامه امید شماره (۶۲۶) صفحه ۱۲ ستون اول - حمل ۱۳۸۳) از زبان یک مامور عالی رتبه افغانستان در عوض نام افغان کلمه افغانستانی به نشر رسیده است.

اگر استعمال این کلمه را از زبان این مامور عالی رتبه افغان خبر نگار ایرانی (ایرنا) جعل کرده باشد و یا از طرف کارکنان جریده امید عمداً چنین تصرفی در خبر مذکور بعمل آمده باشد، اصولاً باید مسئولین اطلاعات و کلتور در برابر آن عکس العمل جدی نشان دهند.

آیا می توان پذیرفت که یکی از کاندیدهای ریاست جمهوری آینده افغانستان (آقای لطیف پدram) همکار نزدیک دکتر نجیب الله در رژیم کمونیستی که به (ایرانوفیل\*) شهرت دارد در گردهمایی ها و یا به اصطلاح خودشان در نشست های ایرانی ها در فرانسه هیچ وقت نام «افغان» را برای تبعه افغانستان بکار نبرد، و یا مثل ایرانی ها «افغانی» بگوید که نام (واحد پول) افغانستان است نه نام تبعه آن! و یا «افغانستانی» بگوید که کلمه نامانوس و غیر قابل قبول است. و با آنهم خودش را برای بلندترین مقام دولت افغانستان کاندید نماید؟

آیا می شود که اتباع ازبکستان، تاجکستان، ترکمنستان، قرغزستان و... و... را به نام ازبکستانی، ترکمنستانی، قرغزستانی یاد کرد. شاید الهام از کلمه پاکستانی باشد یا هندوستانی. ولی این «ستانی» تا «ستانی» [پسوندها] افغان تفاوت دارد. ولی باز هم ما را کاری به کار دیگران نیست، ورنه هرگاه «مود» «ستانی» رائج شود، هر ولایت افغانستان خود را با ایزاد «ستانی» (فلان استان) خواهند نامید. چنانچه چندین بار کوشش شده است که نام هزاره جات ما را به (هزارستان) عوض کنند. و مزار را مزارستان نام گذارند.

نام «افغان» برای اتباع کشور افغانستان برویت اسناد، کتب و نوشته های بیشتر تاریخی از دو صد سال سابقه دارد. از دوره (احمد شاه درانی) تا عصر (حامد کرزی) همین نام «افغان» برای اتباع این کشور قبول شده است. در سال ۱۹۲۱ میلادی این نام برای اولین بار به صورت رسمی به حیث نام تبعه افغانستان در وثیقه ملی کشور ما، که بنام نظامنامه ملی از طرف لویه جرگه پغمان تحت زعامت اعلیحضرت امان الله خان افتتاح و تشکیل گردیده بود، تأیید و رسماً پذیرفته شد. بعداً در همه قوانین اساسی که درین عصر باشکوه پایه گذاری شده همین نام «افغان» برای اتباع کشور ما بکار رفته است.

در آغاز قرن بیست و یکم باز هم لویه جرگه تاریخی ۱۳۸۲ هـ ش (۲۰۰۳ میلادی) که برای تأیید قانون اساسی در کابل پایتخت افغانستان منعقد گردید، تبعه این مرز و بوم را «افغان» خواند.

در متن قانون اساسی ۱۳۴۶ هـ ش (۱۹۶۷ میلادی) دهه (طلایی) دیموکراسی در عصر شاهی مشروطه تحت زعامت اعلیحضرت (محمد ظاهر شاه) که قانون اساسی امروزی از آن استنباط گردیده، نام «افغان» برای تبعه افغانستان بیشتر از ده مرتبه بکار رفته است.

ما افغان ها همانطوریکه مکلفیت داریم از حقوق خویش بر اساس احکام و مواد این وثیقه ملی حفاظت و حمایت نماییم، باید همانطور مکلف باشیم که وجایب و وظایف خویش را نیز طبق احکام و مواد این وثیقه ملی احترام و اجرا نماییم، که بکار بردن نام «افغان» برای اتباع افغانستان یکی ازین وجایب است. [بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می شود....] (بند سوم ماده چهارم فصل اول). و با بی احترامی به آن باید از طرف قانون و دیوان عالی قضاء و مردم مؤاخذه گردیم.

چراغ عقل را گر ما به مغز خود بر افروزیم      نباید کرد کاری برخلاف رای این ملت  
« سید حسن آشفته باختری »

اقبال لاهوری شاعر حماسه ها در آغاز قرن بیستم گفته است :  
آسیا یک پیکر آب و گل است \* ملت افغان در آن پیکر دل است  
آیا همین کافی نیست که ما همه باشندگان این کشور، از هر قوم و قبیله ای که باشیم به افغان بودن خود افتخار نماییم.  
من این مقال را روی صفحه جهانی انترنت می گذارم تا تمام افغان ها در هر گوشه و کنار جهان که باشند آنرا مطالعه نمایند ، و آرزو دارم برای یکبار سنت مطبوعاتی را شکسته و این نوشته را در همه نشرات افغانی ، روزنامه ها ، مجلات ، هفته نامه ها ، و ماه نامه های داخل و خارج به چاپ برسانیم تا مردم افغانستان متوجه اهمیت این موضوع گردند.  
در انجام باز هم تکرار می کنم که من این نظر را از راه تعصب ننوشته ام ، من دری زبان هستم ولی به هر دو زبان نه تنها احترام دارم بلکه به آنها عشق می ورزم و اکثر مقالات ، نوشته ها و آثاریکه به طبع رسانیده ام یا زیر طبع است به زبان دری نوشته ام. و سوگند یاد می کنم که از تفرقه اندازی نفرت دارم. ختم

ولی احمد نوری

پاریس اول می ۲۰۰۴ م